

تحلیل داستان آدم در قرآن (۱) نخستین انسان در نگاه های بشری

سید ابراهیم سجادی

تحقیق درباره چگونگی پیدایش نخستین مراحل ساختمان جسمانی و جنبه های ادراکی و روحی اولین انسان، از دیرزمان مورد توجه علمای دین، فلاسفه و راویان تاریخ بوده و از جمله موضوعات مورد علاقه بشر بوده است، چرا که برای انسان که یکی از ویژگیهای مهم او پرسشگری و تلاش برای دانستن است، شناخت ریشه ها و چگونگی پیدایش نسل و نوع و نژاد او جالب و شایان توجه است. تبارشناسی، به گونه جدید، با عنوان انسان شناسی ادامه دارد، عنوانی که در قرن شانزدهم سرزبانها افتاد ۱ و در بهترین تعریف خود عبارت است از: (بررسی اصل و تبار انسان همراه با رشد مادی، اجتماعی، فرهنگی و رفتاری او، در گذشته و حال). ۲

برجسته ترین زیر عنوان انسان شناسی عبارت است از انسان شناسی طبیعی و انسان شناسی فرهنگی که در انسان شناسی طبیعی پیدایش، ریشه و تبار انسان به عنوان یک پدیده زیست شناختی مورد مطالعه قرار می گیرد و در انسان شناسی فرهنگی، بررسی جنبه های فرهنگی او را پوشش می دهد. ۳

تاریخ انسان شناسی طبیعی، دیدگاه های متنوعی را درباره چگونگی پیدایش نخستین انسان، از زبان فلاسفه و متون مذاهب و ادیان روایت می کند:

۱. رویش از زمین

باور به رویش انسان از زمین یکی از دیدگاه های کهن درباره پیدایش انسان است که شاید نخستین بار توسط فردی به نام (لوکرتیوس) در یونان باستان مطرح گردید.

۲. خاستگاه کیهانی انسان

نظریه (پان اسپرمی) یکی دیگر از دیدگاه های انسان شناختی کهن و برگرفته از تعالیم فیلسوف یونانی، آنکسا غورس (یا آناکساگوراس) (۴۲۸-۵۰۰ ق، م) می باشد که می گفت: حیات از ازل بوده و تا ابد ادامه خواهد داشت و آفرینش و فنا به آن راه ندارد، جنینهای اثیری یا تخمهای تغییرناپذیر بسیار خرد به نام (اسپرمتا) در پهنه عالم پراکنده اند و از هوا توسط باران به زمین منتقل می شوند و در خاک مرطوب زمین بارور می گردند و از همین نطفه هاست که موجودات زنده، حتی آدمی پدید می آیند. ۴

عقیده پان اسپرمی در قرن ۱۹ و ۲۰ نیز دانشمندانی مانند (یوستون فون لیگ) (۱۸۷۳ - ۱۸۰۳ م) شیمی دان آلمانی و (هرمان فون هلمهولتز) (۱۸۹۴ - ۱۸۲۱ م) فیزیکدان آلمانی را تحت تأثیر قرار داد. ۵

۳. نظریه ترانسفورمیسم

ترانسفورمیسم یا تکامل انواع، زنده ترین و پرمجاثرترین دیدگاه درباره شناخت نخستین انسان است که هم ریشه در تاریخ دارد و هم در عصر دانش تجربی به صورت جدی به بحث گرفته شده و می شود.

در میان فلاسفه پیش از میلاد که به عنوان طراحان نظریه ترانسفورمیسم شناخته شده اند، سخن فیلسوف چینی (تسون تسه) که ۲۵۰۰ سال پیش می زیسته قابل توجه است که می گوید: (تمام سازمانها اصولاً از یک واحد شروع شده اند. این نوع واحد به مرور زمان، مراحل گوناگون و تغییرات مداوم یافته است که موجب پیدایش شکلهای مختلف و اجسام و موجودات متنوع گشته است، این موجودات تازه بلافاصله صورت های مختلفی پیدا نمی کردند و با نوع قبلی خود تفاوت زیاد نداشته اند، بلکه بر عکس، اختلاف و تمایز آنها بر اثر تغییرات تدریجی و در طی نسلهای پشت سرهم صورت گرفته است.) ۶

کالبد شکافی انسان، فصلی دیگر در انسان شناسی طبیعی

انسان شناسی طبیعی در غرب، کالبدشناسی را می طلبید که از نگاه توده مردم آن دیار با نوعی حرمت شکنی و قداست زدایی همراه بود، بدین دلیل که انسان بر مبنای آموزه های کتاب مقدس، به عنوان موجود فوق طبیعی قلمداد می شد و شایسته گرامی داشت بود، بدین رو حتی پس از قرون وسطی کالبد شکافی، جرم تلقی می شد.

در سال ۱۵۴۳ میلادی حرمت کالبد آدمی، از سوی پزشکی بلژیکی با نام (اندرآس و سالیوس) (۱۵۶۴ - ۱۵۱۴ م) شکسته شد و او اطلس دقیقی از کالبد انسان چاپ کرده و راه را برای بررسی دقیق تر جسم انسان باز کرد. طبیعی شدن ارگانیزم انسانی، نخستین گام به سوی پرسشهای جدید بود و برای پویندگان این وادی، این سؤال پدید آمد که: آیا میمون آدم نما یک حیوان است یا یک انسان؟

مطالعه تاریخ طبیعی انسان، زمانی وارد مرحله جدید شد که نمونه های میمون آدم نما در اروپا شناخته شد و نخستین توصیف از آن به وسیله پزشک هلندی (نیکولائوس تلب) ارائه گردید. و (کار ادوارد تیس) طبیب انگلیسی در پایان سده هفدهم میلادی، مطالعه ای روی بقایای یک شامپ انزه و یک انسان انجام داد که بر اساس آن ۴۸ خصوصیت و ظایف الاعضائی، همانندی بین آن دو را نشان می داد و ۳۴ ویژگی میمون را به جانوران پیوند می داد. بر اساس این تحقیق، مفهوم تداوم رابطه نسبی بین حیوانیت و انسانیت، بر شکاف بین آن دو می چربید، و با این تصور، فرضیه زنجیره عظیم هستی که بیانگر نظم و به هم پیوستگی در میان موجودات طبیعی، از ساده ترین تا پیچیده ترین بود، مطرح شد. ۷ و بدین ترتیب زمینه برای توجه بیش تر به نظریه ترانسفورمیسم فراهم آمد. ارزمس داروین (۱۸۳۱ - ۱۸۰۲ م) پدر بزرگ داروین نیز عقیده داشت که جانوران در همه مراحل تکامل در پیکارند، در جریان این پیکار، جانداران با پدید آوردن اندامهای تازه برای پاسخگویی به نیازمندی ها و مقتضیات خویش در سایه تلاش و کوشش (نه با انتخاب طبیعی گونه های برتر بر حسب اتفاق، آن گونه که چارلز داروین یک قرن بعد گفت) مراحل تکامل را می پیمایند.

چارلز داروین که در پرتو دانش دیرین شناسی، دانش تشریح و دانش جنین شناسی، به مطالعه اسکلت‌های فسیل شده موجودات حیوانی، استخوانبندی حیوان و انسان و نحوه رشد جنین پرداخته و بدین نتیجه رسیده بود که آدمی از بعضی حیوانات اشتقاق یافته است؛^۸ برای باور بود که تفاوت‌هایی بین افراد یک نوع وجود دارد، وقتی که به دلیل ناکافی بودن مواد معیشتی، پیکار برای زنده ماندن شروع می‌شود، آن فرد و افرادی که تمایز مناسب بهره بردن و زنده ماندن را دارند، در میدان رقابت؛ برنده می‌شوند، و ناتوانها راه نابودی را پیش می‌گیرند و تمایزها از طریق وراثت به نسل بعدی منتقل می‌شوند و شکل کامل تری را پدید می‌آورند و تمام این تغییرات اتفاقی می‌باشند و در دامن طبیعت به وجود می‌آیند و خواست و تلاش خود حیوان در آنها دخالتی ندارد.^۹

ترانسفورمیسم در نگاه نقادان

ترانسفورمیسم به گونه داروینیستی‌اش، با واکنش منفی ارباب کلیسا و پژوهشگران حوزه دانش تجربی رو به رو گردید و موفقیت چشم‌گیری به دست نیامورد. کلیسا و متون مقدس که با دانش تجربی - از اخترشناسی گرفته تا زمین شناسی جدید - همخوانی نداشت و تضعیف شده بود، این بار نیز توان رویارویی جدی با نظریه تکامل را که با نص کتاب مقدس در تضاد بود، نداشت.^{۱۰}

نص گرایان به قصد دفاع از کتاب مقدس، به توجیه مبانی نظریه تکامل دست یازیدند. فلیب گوس (۱۸۱۵ - ۱۸۸۸ م) طبیعی دان انگلیسی بر این بود که خداوند، به همه آن سنگواره‌ها (فسیلها) نقش دو پهلو و غلط انداز داده است تا ایمان انسان را بیازماید. پژوهندگان پروتستان، روایت کتاب مقدس را تعبیر شاعرانه و کنایی از اذعان به اتکای جهان به خداوند گرفتند، اذعانی که از نظر آنان با قول به تکامل - همچون شیوه آفرینش گری خداوند - ناسازگار نبود. نواندیشان (تجدد خواهان) می‌گفتند: کتاب مقدس سراپا و تنها یک سند و ساخته بشری است. کاتولی‌ها - که کتاب مقدس و تفسیر مجتهدانه کلیسا را با هم حقایق منزل دانسته و معتقد بودند که حقیقت، سطوح و ساحت‌های مختلف دارد و راه تفسیر کتاب مقدس مسدود نیست - اول نظریه تکامل را تخطئه کردند، ولی سرانجام پذیرش آن از سوی آنها رو به فزونی نهاد و جسم انسان را تحول یافته از صورت ساده حیوانی دانستند و تنها روح را افاضه الهی تلقی کردند.^{۱۱}

بین دانشمندان علوم طبیعی و تجربی نیز نظریه تکامل با تردیدهایی روبه رو گردید. تامس هاکسلی (۱۸۲۵ - ۱۸۹۵ م) زیست‌شناس انگلیسی که از حامیان این نظریه به حساب می‌آید، مدعی بود که دلایل انتخاب طبیعی برای اثبات تغییر انواع کافی نیستند.^{۱۲}

پیدایش اتفاقی حیوانات و صفات آنها، یکی دیگر از زمینه‌های مورد نقد، در نظریه تکامل است، که حتی توجه خود داروین را نیز به خود جلب کرده است^{۱۳}، آنجا که می‌گوید:

(درک این جهان عظیم و شگفتی آفرین از جمله انسان... یعنی حمل هستی این جهان بر وجود بخت و اتفاق یا ضرورت کور، امکان پذیر نمی‌نماید. وقتی که به این شیوه تأمل می‌کنم، احساس می‌کنم ناچارم قائل به وجود یک علت اولی باشم که ذهنش هشیاری کما بیش شبیه به انسان

داشته باشد؛ و سزاوارم که خداشناس نامیده شوم... ولی سپس این شک در خاطرم خلجان می کند: آیا به ذهن انسان که به اعتقاد راسخم از وضعی نظیر ذهن نازل ترین حیوانات ارتقا و تکامل یافته است، اعتماد هست که چنین استنباطهای شکوهمندی به عمل آورد. (۱۴)

(ورگو) متخصص علوم طبیعی، شک و تردیدش را نسبت به قرابت خیالی میان انسان و میمون این گونه توضیح می دهد:

(ما وقتی که در ساختمان انسانی که مربوط به دوران چهارم است - همان انسانی که باید به میمون نزدیک تر باشد تا انسان - دقیق می شویم، آن را مشابه با خودمان می یابیم). (۱۵)

اشکال مهم تر، اینکه داروینیسیم، فضایل اخلاقی و ارزشهای انسانی را بایستی غیرعلمی و ناسازگار با تکامل بداند، زیرا (بر اساس این نظریه جنگ و جدال اقوام و ملل، بلکه اشخاص با یکدیگر، امری طبیعی است و حق با کسی است که نیرومند و غالب می شود و ناتوان مغلوب، مظلوم نیست، و اگر این سخن مقبول باشد، صلح طلبی و سلامت خواهی و رأفت و رحمت، خلاف طبیعت خواهد بود و باید گذاشت مردم بدرند و هر نوع سببیت را مرتکب شوند). (۱۶)

به همین دلیل هربرت اسپنسر که قبل از داروین در پی اثبات این بود که آزادی عمل بخش خصوصی در تجارت با ضوابط اکید طبیعت که سرانجام بهبود زیستی به بار می آورد هماهنگ است؛ در تنازع تکاملی داروینی، توجیه ادعای خود را باز یافت ۱۷. نامبرده تنازع بین آدمها و فنای قطعی ضعفا را عامل اجتناب ناپذیر تکامل به حساب می آورد و در سال ۱۸۸۴ اعلام داشت که باید افراد بیکار یا افرادی را که به جهاتی سربار جامعه هستند از میان برد، نه آن که بدانها کمک و یا از آنها دستگیری کرد. (۱۸)

۴. نظریه ثبات انواع یا فیکسیسم

آفرینش مستقل و معجزه آسای نخستین انسان که مورد باور اکثر قریب به اتفاق فلاسفه و دانشمندان گذشته بوده ۱۹ و تا سال ۱۸۲۶، اعتقاد مردم اروپا را به خود اختصاص داده بود؛ ۲۰ تکیه گاهش آموزه های ارسطویی ۲۱ و سرچشمه اش تورات و انجیل شناخته شده است ۲۲ و در قرن هفده و هجده توسط دانشمندانی چون (جان ری) (۱۷۰۵ - ۱۶۲۷ م)، و (کارل لینه) (۱۷۷۸ - ۱۷۰۷ م) و (جورج گوویه) (۱۸۳۲ - ۱۷۶۹ م) به مرحله اتقان و استحکام رسیده است. (۲۳)

فیکسیسم نه تنها انواع جانوران و انسان را دارای آفرینش مستقل و تغییرناپذیر می داند که در دامن خود نظریه (تشکیل قبلی) را نیز پرورانده است و (گوویه) که از پایه گذاران نظریه ثبات انواع است، به (تشکیل قبلی) نیز باور داشت. (۲۴)

بر اساس نظریه تشکیل قبلی، تخم پیش از لقاح، شامل موجود کاملی است که برای رشد آماده است. وجود این موجود نیز باید شامل تخمهایی باشد که در هر یک از آنها موجود کاملی باشد، موجودات مزبور نیز از نو تخمهایی شامل موجودات دیگر دارند و همین طور! بر این اساس در جسم (حوا) طبقه به طبقه تخمهای مربوط به نسلهای آینده وجود داشته است.

ولی (لیونهوک) در سال ۱۶۷۹ میلادی مدعی شد که موجودات قبلی در اسپرماتوزوئید است. بدین ترتیب اختلافی پدید آمد که آیا اساس بشریت در تخم حوا بوده یا داخل اسپرما توزوئید آدم(ع).

به هر حال نظریه (تشکیل قبلی) توانست توجه دانشمندی چون (هالرو شارل بونه) را جلب کند و دانشمندان بزرگی را به هواخواهی از خود، وا دارد. ۲۵

قدیمی ترین متن دینی که نظریه ثبات انواع در آن با صراحت مطرح است، باب های نخست تورات است که مورد پذیرش دنیای مسیحیت نیز هست و باید از طریق مطالعه این متون با ابعاد نظریه فیکسیسم آشنایی به دست آورد.

داستان آدم در تورات

برپایه آنچه در تورات است، خداوند، آدم را یکسره از خاک آفریده و با دمیدن روح، او را نفس زنده ساخته و حوا را از دنده چپ او آفریده و سپس هر دو را در باغ عدن سکنی داده است. آن گاه به آن دو فرمان داده که از همه درختان آن باغ بهره گیرند جز از درخت معرفت نیک از بد که اگر از آن بخورند خواهند مرد. در اینجا مار - و بنابر بعضی تفسیرها شیطان که به صورت مار درآمده بود - حوا را فریب داد تا از آن درخت خورد و به آدم نیز داد. پس از آن بود که چشمان آن دو باز شد و خود را برهنه دیدند. خداوند پس از این نافرمانی ایشان را سرزنش کرد و پس از پوشاندن آنان، از باغ عدن بیرون شان کرد تا مبادا از درخت حیات بخورند و مانند خود او جاودانه گردند. ۲۶

آنچه گذشت چکیده ای بود از آنچه در باب اول تا پنجم تورات در این باره آمده است. در سفر تکوین و کتاب آفرینش تورات، از نقش شیطان و فرشتگان در قصه آدم، یادی نشده است، ولی در کتب بین العهدين (حکمت سلیمان، ۲ / ۲۳) آمده است:

(خداوند انسان را برای بی مرگی و به صورت جاودانگی خود آفرید، اما ابلیس بر آدم حسد برد و او را به نافرمانی و گناه کشید و از این رو مرگ به جهان راه یافت). ۲۷

در کتاب تلمود ۲۸ نیز از فراخوانده شدن فرشتگان به رایزنی درباره آفرینش آدم و تقسیم شدن آنها به دودسته موافق و مخالف و فرمان الهی به سجده فرشتگان بر آدم و سرپیچی شیطان از سجده بر آدم و جهنمی شدن او و... سخن رفته است. ۲۹

بعضی از شارحان سفر پیدایش براین مطلب عقیده دارند که شیطان پس از محرومیت خود از سعادت ابدی، تصمیم گرفت که خوشی زوج مقدس را با واداشتن آنها به سرپیچی از فرمان خداوند، به اندوه و خواری بدل سازد. پیش از آن از سوی فرشتگان به آدم و حوا، تاریخ گذشته ابلیس و نی ز تصمیم او بر اغوای آن دو یادآوری شده بود تا با هم باشند، و بدین وسیله با خطر توطئه شیطان رویارویی نمایند، به رغم همه اینها روزی حوا از آدم فاصله گرفت و در نبود او علاقه شدیدی به درخت ممنوعه پیدا کرد. شیطان از این فرصت سود برده و توسط ماری از زن پرسید... ۳۰

ولی (ویلیام میلر) مفسر توانای انجیل در اثر خود (مسیحیت چیست) می گوید:

(شیطان به صورت مار داخل باغ شد و (حوا) را راضی کرد تا از میوه آن درخت بخورد و حوا آدم را نیز به تناول از آن میوه وا داشت). ۳۱

به هر حال دشمنی شیطان با آدم و حوا و نقش فرشتگان در قصه آن دو، به گونه ای نزد اهل کتاب پذیرفته شده است، گرچه سفر پیدایش به این مطلب اشاره یا تصریحی ندارد.

پیامد گناه آدم برای نسل او

در میان مطالب مختلفی که در متن قصه آدم به چشم می خورد، گناه زوج مقدس با اهتمام بیش تری، از سوی مفسران کتاب مقدس، مورد مطالعه قرار گرفته است.

گناه آدم که از نظر (ویلیام میلر) یک عصیان عمدی و مخالفت آگاهانه با اراده الهی بود ۳۲، علاوه بر چند اثری که در تورات مطرح شده اند، پیامد شخصی و نوعی دیگری را نیز داشته است. از نظر کلیسا خداوند به آدم دو نوع موهبت داده بود:

۱. موهبت ذاتی یعنی اراده و عقل که به یاری آنها می توانست آفریدگار خود را بشناسد و از خواست و اراده او پیروی کند.

۲. موهبت‌های اضافی که عبارتند از ایمان، محبت، علم به حقایق امور، جاودانگی، قدرت غلبه بر شهوات و آزادی از درد و بیماری، ولی آدم از عقل خود چنان که باید، بهره نگرفت و نافرمانی کرد و گناهکار شد و از مقامش فرو افتاد، و به اعتقاد کلیسای کاتولیک، پس از سقوط، تن ها موهبت‌های اضافی را از دست داد، ولی کلیسای پروتستان، سقوط آدم را موجب فساد تمام موهبت‌های او می داند. ۳۳

علاوه بر آثار شخصی، گناه آدم، پی آمد نوعی نیز داشت که عبارت است از گناه آلوده شدن نوع بشر و این در نامه پولس رسول به رومیان قابل مطالعه است که در آن آمده است:

(لهذا همچنان که به وساطت یک آدم، گناه داخل جهان گردید، و به گناه موت، و به این گونه موت بر همه مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند).

باب ۵ آیات ۱۲ و ۱۳

در رابطه با نحوه انتقال گناه آدم و حوا به نسل آنها دو دیدگاه به نام (نظریه آفرینشی) و (نظریه انتقال) مطرح است که دیدگاه نخست، نظریه رایج کلیسای ارتدوکس شرقی را تشکیل می دهد و بر اساس آن گناه در جسم که محل شهوات است ادامه می یابد و در عمل زناشویی از پدر به پسر منتقل می شود.

بر اساس نظریه دوم که توسط (ترتولین) متکلم مسیحی سده سوم میلادی مطرح شده است، روح چون جسم در نطفه از پدر به فرزند منتقل می شود و گناه نه تنها در جسم بلکه در روح نیز مضمراست و در طی توالد و تناسل از نسلی به نسل دیگر می رسد. ۳۴

نگرش‌های تأویلی به قصه آدم در کتاب مقدس

قصه آدم در سفر پیدایش، در مسیر تاریخ با تلقی های گوناگونی رو به رو شده است که بارزترین آنها از یک سو پذیرش آن به عنوان یک رخداد واقعی و عینی و از دیگر سو افسانه پنداشتن آن می باشد که سازش دادن بین آنها ناممکن می نماید.

در یهودیت، نگاه تأویلی به قصه آدم، پیشینه تاریخی در خور توجهی دارد و به گونه های مختلف تداوم یافته است، البته بدون این که قداست متن کتاب مقدس نادیده گرفته شود (بر عکس

مسیحیت که در نزد برخی از پیروان آن، انکار قداست آیات سفر تکوین و سایر اجزای کتاب مقدس ب ه وضوح دیده می شود.)

(فیلون) (۲۰ ق . م - ۵۴ م) فیلسوف یهودی متولد اسکندریه که در تفسیر دین از زبان فلسفه یونان و روش رمزی، سود می برد، [گویا] نخستین دانشمندی است که دست به تأویل قصه آدم می زند. فیلون، پاره ای از موارد قصه آدم را به عنوان واقعیت قبول داشت و ظواهر عبارات سفر پیدایش را که متعلق به آنها بود می پذیرفت، ولی بیش تر در پی یافتن معنای تمثیلی برای عناصر این قصه بود، از این رو در فلسفه او آدم نمودار خرد، و (حوا) نمودار دریافت حسی، و مار نمودار هوای نفس، و درخت معرفت نمود اندیشه و تدبیر است. به اعتقاد وی، خداوند دو گونه انسان آفریده است: انسان آسمانی که غیرمادی و به صورت خدا آفریده شده است و انسان زمینی که از خاک سرشته شده و ترکیبی است از عناصر مادی و معنوی - پیکر، خرد و اندیشه - و این خرد و اندیشه آدمی است که به صورت خدا آفریده شده است نه پیکر او.

از نظر فیلون، خوردن از شجره ممنوعه تمثیل و کنایه است از تسلیم شدن در برابر لذت و شهوات جسمانی، چون آدم در برابر خواسته های جسمانی خود سرفروود آورد، فهم او از سطح فراتر دانش به سطح فروتر اندیشه، فرو افتاد. ۳۵

در مکتب عرفانی متأخر یهود موسوم به (قبالا) عالم خلقت که عالم ظهور و تجلی صفات و افعال الهی در قالب اشکال و صور است؛ نقطه مقابل عالم صفات و تجلیات که عالم توحید و آدم قدیم است، قلمداد شده است، و آدم یعنی انسان اول این عالم که مظهر آدم قدیم است، عالی ترین و کامل ترین مصداق صفات و اسماء الهی معرفی شده است، و آفرینش آدم به صورت خدا در سفر پیدایش اشاره به همین مظهریت و جامعیت اوست. ۳۶

موسی بن میمون (۱۱۳۵ - ۱۲۰۴م) دانشمند یهودی می گوید:

آفریده شدن آدم به صورت خدا، اشاره به کمال عقلانی اوست، پیش از ارتکاب گناه، خرد او به کامل ترین حد خود رسیده بود و همواره با تمام وجودش به تفکر و تأمل درباره حقایق طبیعی و ماوراء طبیعی مشغول بود. گناه کردن وی، در حقیقت، روی آوردنش به لذات جسمانی بود، کوشش در ارضای شهوات او را از تفکر درباره حقایق الهی بازداشت و عقل عملی او را که تا آن زمان خفته بود بیدار کرد، و او به جای تعقل نظری به تجربه های عملی پرداخت، به جای حقایق به ارزشها و امور اعتباری توجه یافت و به جای شناخت حق و باطل، به تمیز نیک و بد و سود و زیان سرگرم شد...

به اعتقاد ابن میمون، مار، نماد قوه موهمه است، و شمائل (ابلیس) مظهر قوه شهویه، و درخت حیات، نمایانگر طبیعت، و شاخه آن نمودار ماورای طبیعت، و درخت معرفت نیک و بد، نمود عقل عملی است. ۳۷

(یوسف البو) فیلسوف یهودی اندلس (سده ۱۵ میلادی) سرگذشت آدم را بیانی تمثیلی از وضع انسان در این جهان می دانست. از نظر او باغ عدن، کنایه از این عالم؛ آدم، کنایه از نوع بشر؛ درخت حیات عبارت از شریعت (تورات)؛ مار، نماد شهوات؛ قرار گرفتن آدم در باغ عدن که درخت حیات

در آن قرار دارد، یعنی انسان در این جهان باید به احکام تورات پایبند باشد، و بیرون شدن وی از باغ عدن پس از نافرمانی، کنایه از کیفری است که نافرمانی از احکام الهی در پی دارد. ۳۸ در تأویل قصه آدم در مکتب یهود، تفاوت تلقیهای کنایی، انکارناپذیر است، ولی احترام به سفر پیدایش و نیز قصه آدم به عنوان یک رخداد عینی در یک مقطع از تاریخ، در آن به وضوح دیده می شود.

تأویل قصه آدم در مسیحیت و کشف مفاهیم رمزی آن، ویژگی مخصوص به خود را دارد. سیر تأویل در این مکتب را می توان تلاش همراه با عقب نشینی از موضع اعجازآمیز تلقی شدن خلقت آدم در کتاب مقدس ارزیابی کرد. ۳۹

نخستین برخورد تأویلی با عنصری از قصه آدم در خود عهد جدید به چشم می خورد که مسیح را از خدا و ازلی می داند، و آن گاه (کارل بارت) در رابطه با دو ادعای فوق، سخنی دارد که می تواند توجیهی باشد برای آیه ۳ باب ۵ سفر پیدایش: (سپس خدا آدم را به صورت خود آفرید) زیرا در آن آمده است:

(آدم شبیه و نمونه مسیح آینده است، بدین سان مسیح، اصل، و آدم، شبیه و نمونه آن اصل است و چون اصل بر شبیه و نمونه مقدم است، مسیح بر آدم تقدم دارد. بنابراین آدم را به صورت خدا آفرید، یعنی او را شبیه مسیح آفرید و به او شکل و شمایل مسیح را داد.) ۴۰

داروینیسیم عمده ترین عامل در تزلزل عقیده مسیحیان در قبال قصه آدم در کتاب مقدس و تحفظ بر ظواهر آن به شمار می آید، زیرا جیمز برنت که یکی از پایه گذاران اولیه نظریه تکامل انواع به شمار می آید، در مقام بیان تضاد این نظریه با قصه انسان در تورات می گوید:

(... بر خلاف ادعای سفر پیدایش، تاریخ انسان، قهقرایی و سقوط از کمال اولیه نیست، بلکه یک تعالی پرنج است.) ۴۱

با این حال پدر کلیسون می نویسد:

(اگر خداوند ماده تکوین انسان را نه از خاک بلکه از یک جانور مناسب و نزدیک به انسان گرفته باشد که آهسته آهسته تحت اراده و هدایت او تکامل یافته و سپس به او روح افاضه شده، در این صورت هم این تمهید طولانی و هم عمل نهایی افاضه روح، همه و همه فعل الهی است.) ۴۲

چنین برخوردی از سوی کلیسا، با نظریه تکامل انواع، به معنای پذیرش این نظریه - جز در مورد افاضه روح - بود و خواه ناخواه تأویل ظاهر کتاب مقدس بر اساس ترانسفورمیسم را به همراه داشت.

۴۳

دومین تلقی تأویل گرایانه، (ارتدکس نوین) بر عکس کاتولیکها و بسیاری از پروتستانهای سنت گرا (که عقیده به دخالت ماوراء الطبیعی در تکون جهان دارند) این است که آموزه آفرینش فقط با مقام هستی شناختی انسان و جهان در حال حاضر سرو کار دارد و نه با آغاز آفرینش، در گذشته. این باور با دو روایت، توسط اگزیتانسیالیسم و تحلیل زبانی ارائه شده است. اگزیتانسیالیست ها معنای آفرینش را محدود به اعتراف شخصی فعلی می دانند و منکر هر اشاره و ارجاعی به اعمالی که خدا از روی قصد و اراده در زمان و مکان انجام داده باشد، هستند...

تحلیل گران زبانی می گویند: ... اسطوره آفرینش، یک داستان مفید یا اگر ترجیح دهید یک داستان پند آمیز است که احساس مخلوق بودن، تناهی و اتکای بشر را به خداوند بیان می کند و احساس پرستش و احترام را در انسان دامن می زند.

... خداوند یک کوزه گر، یا بنا، یا سازنده ای از این گونه نیست، ولی تمثیل و تصویرهای کتاب مقدس منجر به واکنشی در برابر خداوند و جهان می شود که درست و موثق است... هیچ رویدادی در زمان، چه در ابتدا و چه بعد از آن نبوده است که این تمثیل به آن اشاره داشته باشد. در بطن حقیقت قضیه وار، هیچ معنای بیطرفانه ای نیست که بدون دخالت و مداخلیت شخصی یا انسانی قابل بیان باشد... ۴۴

در این تحلیل گرچه رخدادی به نام آفرینش آدم و جهان در زمان معین به صورت مطرح شده در کتاب مقدس، مورد انکار قرار می گیرد، در عین حال قداست این متون را نمی شکند و آن را حامل پیام سازنده می داند.

در سومین برخورد تأویلی با داستان آفرینش در سفر تکوین، با جسارت بیش تری، ظاهر کتاب مقدس ناپذیرفتنی اعلام می گردد.

(پان گاتفرید آیشهورن) (۱۸۲۷ - ۱۷۵۲م) دانشور کتاب مقدس و خاورشناس آلمانی، نخستین کسی بود که اصطلاح (اسطوره) را درباره مطالب انجیل به کار برد و ادعا کرد که قصه های سفر پیدایش درباره آفرینش جهان، نخستین موجودات بشری، توفان و ...، همانند داستانهای بی شمار دیگر، ادبیات کهن هستند و سبک تفکر همه مردمان در مراحل اولیه تاریخ آنان است.

مسیحیان قدیم معتقد بودند که هنگام قراءت کتاب مقدس، خداوند از خلال صفحات با ما سخن می گوید، ولی کسانی چون (آیشهورن) تورات و انجیل را نوعی سند تاریخی بشری و محتوای آن را دستاورد انسان می انگاشتند. ۴۵

وی. اف اشتراس (۷۴ - ۱۸۰۸) که از روحانیان و خادمان کلیسا بود، نیز باور نداشت که نمادهای مسیحی، امور واقعی تاریخی ماوراء طبیعی اند. وی با رد اندیشه ماوراء طبیعی گرایان که معجزه را قبول داشته و می پنداشتند که وقایع مندرج در کتاب مقدس به شرحی که آمده عیناً روی داده است و نیز با نامقبول خواندن دیدگاه عقل گرایان که برای آن حوادث، توضیحاتی طبیعی ارائه می دادند؛ تفسیر اساطیری تازه و جامعی از انجیلها عرضه می دارد و در نهایت نشان می دهد که رموز گراندوری که قرنهای آسمانی انگاشته شده بود، آفریده تخیل اسطوره پرداز آدمی بوده است. ۴۶

درک و احساس نخستین انسان

در میان دیدگاه های مختلف درباره مسائل زیست شناختی نخستین انسان، برخی به ابعاد ادراکی و معنوی انسان اولیه توجه کرده اند، از جمله مکتب زرتشت، ترانسفورمیسم و فیکسیسم هستند که هر یک تعریفی از شخصیت معنوی و روحی انسان و یا انسانهای اولیه ارائه داده اند .

با توجه به ماهیت ترانسفورمیسم که نخستین انسان را حیوانی می داند که تازه بر مبنای انتخاب طبیعی، بقاء اصلح و اصل وراثت، از نوع حیوانی پیشین خود فاصله گرفته و قدم در دایره نوع جدید

گذاشته است، بایستی قوای مغزی، درک و شعور انسانی و حس اخلاقی او نیز، برزخی باشد بین ویژگیهای یک حیوان و انسان متعادل و به تدریج پا به پای تکامل جسمی او، تکامل پیدا کرده باشد.

(جیمز برنت) می نویسد:

(تاریخ انسان، قهقرایی و سقوط از کمال اولیه نیست بلکه بر خلاف ادعای سفر پیدایش، تعالی پررنج است، زیرا سقوط در کتاب مقدس، به معنی سقوط درک و عقل است.) ۴۷ سخن خود داروین نیز به این معنی اشاره دارد که می گوید:

(حس اخلاقی انسان نیز از انتخاب طبیعی ریشه گرفته است، در سرآغاز تاریخ انسان، قبیله ای که اعضایش دارای گرایش اجتماعی نیرومندی نظیر وفاداری و از خودگذشتگی در راه خیر و صلاح عام بوده اند، امتیازی بر سایر قبایل احراز کرده اند، و از آنجا که اخلاق توانسته است جزء ارزشهای بقاء درآید رفته رفته معیارهای وجدان پدیدار شده اند، پس حس اخلاقی را نمی توان در نخستین انسان اثبات کرد و او را برخوردار از معنویت و خردورزی دانست.) ۴۸

نخستین انسان در آیین زرتشت، پیام خدایی خیر را گرفته و به پاک اندیشی و قدرت مبارزه باهریمن دست پیدا می کند و این، حکایت از عقل و خداخواهی او دارد:

(فروهر کیومرث پاک را می ستاییم. نخستین کسی که به گفتار و آموزش اهورا مزدا گوش فرا داد.)

۴۹

(چون کیومرث مانسر سپند (کلام مقدس) ویژه هرمزد را بنیوشید به پاکی اندیشه اندیشید که آن برای زدن دروج (=هریمن) بهتراشویی (پرهیزکاری) است.) ۵۰ (مشی و مشیانه که از نطفه کیومرث پدید آمده اند، دارای اختیار و انتخابند و در آغاز مؤمن به خدای خیرند، ولی با حيله اهریمن گناهکار و دوزخی می شوند.

وقتی مشی و مشیانه به صورت انسان درآمدند، به خدایی اور مزد معترف شدند، اما بر اثر اغوای اهریمن وی را آفریدگار جهان دانستند. این اندیشه و گفتار دروغ سبب شد که هر دو گناهکار شدند به نحوی که روان آنان تا پایان جهان دوزخی شد.) ۵۱

تصویری که مطالعه متن کتاب مقدس از سیمای انسانی، ویژگیهای روحی و لیاقتهای ذاتی آدم به دست می دهد، بسیار روشن است. تکلم خدا با آدم، واگذاری کار بهشت پیش از هبوط و کار زمین بعد از هبوط به عهده آدم، همکاری بین آدم و حوا، ممنوعیت از میوه درخت معرفت، ارتکاب گناه و کیفر آدم و حوا... حکایت از تعالی انس با خدا، استعداد ابتکار، حس اجتماعی، نیاز به هدایت الهی در اعمال اختیار و اراده و قدرت انتخاب و اختیار و... از ابعاد شخصیت انسانی آدم حکایت دارند.

نکته در خور توجه در تصویر کتاب مقدس از آدم، گناهکار ماندن زوج مقدس است که به رغم احساس گناه و خلافتکاری، حس ندامت و اظهار پشیمانی در آنها دیده نمی شود، شاید این به معنای تحفظ انگیزه گناه تلقی گردد و همین انگیزه منشأ گناه جلی در نسل آن دو را تشکیل دهد.

گناهکار ماندن نخستین انسان، نقطه مشترکی بین تلقی زردشتی و باور اهل کتاب است، بدین معنی که مشی و مشیانه و آدم و حوا نمی توانند آرایش گناه را از روح خود پاک سازند، گر چه تفاوتی هست میان گناه نخستین زوج در آیین زرتشت و زوج مقدس در سفر پیدایش، که یکی شرک است و دیگری مخالفت امر خدا.

در تفسیر مفسران کتاب مقدس نیز بر سقوط جبران ناپذیر آدم در اثر گناه تأکید شده است و بعضی از نحله های مذهبی نه تنها زوال موهبت های اضافی که حتی زوال موهبت های ذاتی آدم را نیز از آثار گناه دانسته و از بازگشت آنها با توبه سخنی به میان نیاورده اند، بلکه در مسیحیت، گناه آدم را صفتی می شناسانند که به اولاد او به ارث می رسد و جزئی از فطرت آنها قرار می گیرد. ۵۲

مطلب در خور توجه دیگر این است که به رغم ادعای مفسران و متکلمان یهودی مبنی بر بهره مندی آدم از بالاترین درجه درک و خرد پیش از ارتکاب گناه، ۵۳ خود تورات صراحت دارد که آدم و حوا با این که برهنه بودند، نمی دانستند که لباس ندارند، وقتی که امر خدا را مخالفت کرده و از میوه درخت ممنوعه خوردند، فهمیدند که لباس بر تن ندارند. ۵۴ چنین نسبتی به آدم و حوا، به معنای جهل و حتی نبود احساس ابتدایی است. بنابراین ناسازگاری روشنی بین نگاه مفسران یهود و متن تورات وجود دارد.

۱. لاندمن، انسان شناسی فلسفی، ترجمه رامپور صدرنبوی، چاپخانه طوس، مشهد / ۵-۳.
۲. حلبی، علی اصغر، انسان در اسلام و مکاتب غربی، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۱ / ۱۴.
۳. دانیل بیتس و فرد پلاک، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، ۱۳۵۰ / ۲۰ و ۲۹.
۴. حسین ادیبی، زمینه انسان شناسی، انتشارات نوح / ۲۸؛ آپارین، حیات، طبیعت، منشأ و تکامل آن، ترجمه هاشم بنی طرفی، شرکت سهامی کتابهای جیبی / ۱۰.
۵. همان / ۱۱.
۶. جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی . ۱۰۸ / ۲.
۷. حلبی، علی اصغر، انسان در اسلام و مکاتب غربی / ۱۳۷ - ۱۲۷.
۸. بهزاد، محمود، داروینیسیم و تکامل، شرکت سهامی کتابهای جیبی / ۲۰۱.
۹. ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی / ۱۰۶.
- بهبزاد، محمود، داروینیسیم و تکامل / ۱۰۳.
۱۰. ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی / ۱۲۰.
۱۱. همان / ۱۲۵ - ۱۲۰ و ۶۰۵.
۱۲. عباس محمود العقاد، الانسان فی القرآن، دارنهضة مصر / ۸۹.
۱۳. همان.
۱۴. ایان باربور، علم و دین / ۱۱۲.
۱۵. علوی طباطبایی، محمد جواد، آفرینش در قرآن، مؤسسه عطائی، تهران، ۱۳۵۰ / ۱۱۶.

۱۶. فروغی، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، انتشارات زوار، ۱۳۴۴، ۳ / ۱۷۳.
- و ایان باربور، علم و دین / ۱۱۸.
۱۷. ایان باربور، علم و دین / ۱۱۸.
۱۸. آیزاک آسیمواف، سرگذشت زیست شناسی، ترجمه محمود بهزاد، شرکت سهامی کتابهای جیبی / ۹۷.
۱۹. جعفری، محمد تقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ۲ / ۱۲۴.
۲۰. جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ۲ / ۱۰۰۴.
۲۱. ایان باربور، علم و دین / ۱۰۲.
۲۲. جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ۲ / ۱۰۵۵.
۲۳. تفضلی، احمد، داروینیسیم و مذهب، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱، تهران / ۸.
۲۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۱۳ / ۷۱.
۲۵. پی یر روسو، تاریخ علوم / ۳۶۱ - ۳۵۹، به نقل از مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۱۳ / ۶۸.
۲۶. تورات باب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و دائرة المعارف بزرگ اسلام، مقاله آدم و یهودیت، ۱ / ۱۷۳.
۲۷. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله آدم و یهودیت، ۱ / ۱۷۳.
۲۸. تلمود، مجموعه ای است تألیف شده از دو کتاب قوم یهود به نام (گمارا) و (میشنا) که دومی مشتمل است بر شش باب و چهارهزار مسأله مرتبط به تفسیر ترجمه تورات و با تلاش یکصد و پنجاه تن از علمای بنی اسرائیل در سال ۲۲۰ میلادی تدوین آن تکمیل شد و تکمیل آن را خطابا ت ایراد شده در سالهای متمادی در کنیسه تشکیل می داد.
- گمارا عبارت است از اخبار، روایات غیرمکتوب و شفاهی که در قالب اخبار و اساطیر از نسلی به نسل بعد به آن زمان رسیده بود.
- تحریر تلمود در شش باب و ۳۶ جلد در اواخر قرن پنجم میلادی خاتمه یافت. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ / ۵۵۷ - ۵۵۹.
۲۹. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله آدم و یهودیت، ۱ / ۱۷۴.
۳۰. دید کلی از خدا و انسان / ۱۶۷، به نقل از : اسماعیل زارع پور، گناه نخستین، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ / ۲۵.
۳۱. مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ناصر، تفسیر نمونه، ۶ / ۱۲۲.
۳۲. همان، ۶ / ۱۲۲.
۳۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله آدم و مسیحیت، ۱ / ۱۷۹.
۳۴. همان، ۱ / ۱۷۸.
۳۵. همان، مقاله آدم و یهودیت، ۱ / ۱۷۵.
۳۶. همان، ۱ / ۱۷۷.
۳۷. همان، ۱ / ۱۷۶.
۳۸. همان.

۳۹. کتاب مقدس، نامه پولس رسول به کولسیان، باب اول، آیات ۱۸ - ۱۵.
۴۰. تفسیر نامه پولس به رومیان، به نقل از دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله آدم و مسیحیت، ۱ / ۱۷۸.
۴۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه سهیل آذری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۹ / ۶۴۵.
۴۲. ایان باربور، علم و دین / ۶۰۶.
۴۳. همان، ۱۲۵ - ۱۲۰ و ۶۰۵.
۴۴. همان، ۴۱۴ - ۴۱۲.
۴۵. دان کیوپیت، دریای ایمان، ترجمه حسن کامشاد، طرح نو / ۱۱۲ - ۱۱۱.
۴۶. همان، ۱۱۹ - ۱۱۸.
۴۷. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ۹ / ۶۴۵.
۴۸. ایان باربور، علم و دین / ۱۱۴.
۴۹. فروردین یشت، بند ۸۷، به نقل از مهشید میرفخرایی، آفرینش در ادیان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی / ۶۸.
۵۰. گزیده های زاد اسپرم، فصل ۳، بند ۶۸، به نقل از مهشید میرفخرایی، آفرینش در ادیان، / ۷۲.
۵۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله آدم در آیین زرتشتی، ۱ / ۱۸۰.
۵۲. همان، ۱۸۹ / ۱ و ۱۷۸.
۵۳. همان، ۱۷۶ / ۱.
۵۴. کتاب مقدس، سفر تکوین، باب سوم.